

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و نهم، دوره جدید، شماره ۲۳، پیاپی ۱۰۸، بهار و تابستان ۱۳۹۸ / صفحات ۱۵۷-۱۳۷

بررسی نحو روایی و مدل کنشگران در روایت اردشیر زاهدی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲^۱

مهدی رفعتی پناه مهرآبادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۹

چکیده

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از مهمترین رخداد‌های تاریخ معاصر ایران است که به رغم گذشت نزدیک به شش دهه از آن، هنوز محل بحث و نزاع‌های مختلف است. همین اختلاف آرا و دیدگاه منجر به ارائه روایت‌های گوناگون و متضادی از کودتا از همان آغازین روزهای پس از آن تا کنون شده است. روایت اردشیر زاهدی تحت عنوان پنج روز بحرانی یکی از روایت‌هایی است که چهار سال بعد از کودتا نگارش یافته و حاوی اطلاعاتی درباره فعالیت‌های فضل‌الله زاهدی و اطرافیانش برای انجام کودتا است. این مقاله با استفاده از تحلیل روایت بر مبنای مدل کنشگران و نحو روایی نشان خواهد داد که این روایت با برخورداری از زاویه دید و کانونی‌شدگی محدود، چگونه نقش عوامل مختلف داخلی و خارجی را نادیده گرفته است و تأکیدش را بر ماهیت مردمی و قانونی و مشروع کودتا و شخصیت فضل‌الله زاهدی به عنوان رهبری مردمی و مقتدر قرار داده است. این در حالی است که بر اساس اسناد و تحقیقات صورت گرفته، کودتا با همکاری عوامل متعدد داخلی و خارجی انجام گرفت و فضل‌الله زاهدی صرفاً فرمانده نظامی کودتا و نه رهبری مردمی به حساب می‌آید. واژگان کلیدی: کودتای ۲۸ مرداد، اردشیر زاهدی، نحو روایی، مدل کنشگران، روایت و روایت‌شناسی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2019.22349.1267

۲. استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)؛ rafatipناه@samt.ac.ir

مقدمه

رولان بارت در *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت* اشاره می‌کند که روایت‌ها جهان‌شمول هستند و در هر جایی حضور دارند. اصولاً بدون روایتگری امکان انتقال پیام از انسانی به انسان دیگر وجود نخواهد داشت و زبان نیز هرگز به عرصه عمل نمی‌رسد. تنها از طریق روایت است که انسان‌ها قادر به درک دنیاهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... متکثر و متنوع خواهند بود. شناخت روایت‌های موجود در جوامع و دوره‌های مختلف تاریخی، امکان شناخت جوامع گوناگون، فرهنگ و تفکرشان را مهیا می‌کند. شناخت روایت‌های مختلف در هر جامعه و هر دوره تاریخی، یعنی شناخت فکر و اندیشه‌ای که سازنده روایت‌ها و جوامع بوده است. روایت درست به مانند خود زندگی ساخته می‌شود و همانگونه که اندیشه انسان، زندگی او را می‌سازد، روایت نیز ساخته و پرداخته همان اندیشه و البته بازتابی از آن است. روایت‌ها در طول تاریخ بشر و در همه فرهنگ‌ها و زبان‌ها به‌عنوان نخستین شیوه ارتباط و بیان تجربه وجود دارند. حتی برخی از نظریه‌پردازان و تحلیلگران ادبی مانند اندرو بنت^۱ و نیکولاس رویل^۲ هم با بارت موافق هستند. اینان بحث خود درباره روایت‌ها را حول پنج گزاره سامان می‌دهند. براین اساس: ۱. «داستان‌ها همه‌جا هستند»، به این ترتیب به‌مانند بارت این دو نیز بر جهان‌شمولی روایت‌ها تأکید دارند. روایت‌ها همه‌جا هستند و انسان بدون روایت، مطلقاً وجود ندارد؛ ۲. «نه تنها ما داستان می‌گوییم، بلکه داستان‌ها نیز ما را می‌گویند، اگر داستان‌ها همه‌جا هستند، پس ما نیز در درون داستان‌ها هستیم»؛ ۳. «گفتن داستان همواره با قدرت، مالکیت و سلطه پیوند دارد»؛ ۴. «داستان‌ها متکثرند و همیشه چیزی بیش از یک داستان وجود دارد»؛ ۵. «داستان‌ها همیشه چیزهایی درباره خود داستان به ما می‌گویند» (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲).

بنابراین روایت‌ها ابزاری جهان‌شمول برای گفتن و دانستن، برای شنیدن و شناختن، برای شناساندن و فهمیدن هستند. فرایند فهم و درک بدون ساخت روایت هرگز به سرانجام نخواهد رسید. روایت وسیله‌ای برای معرفت‌اندوزی و بیان معرفت است (حری، ۱۳۹۲: ۱۱).

از آنجاکه اسناد و منابع تاریخی در خود حامل روایت هستند، چه روایت‌های کامل یا حداقلی یا توصیف‌های روایی، لذا شناخت تاریخی بدون شناخت روایت حاصل نخواهد شد و همانگونه که فلاسفه تاریخ نیز نشان داده‌اند، روایت فقط جایگزینی احساسی برای بیان آمار یا ارقام موثق نیست، بلکه روشی است برای شناخت گذشته و این روش بر اصول عقلانی ویژه‌ای متکی است. امروزه روایت به مثابه شیوه‌ای توضیحی به شمار می‌رود که برای درک و فهم زندگی لازم است. ویژگی‌های جهانی و میان‌رشته‌ای نظریه روایت از دهه ۱۹۷۰م به

1. Andrew Bennett
2. Nicholas Royle

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸ / ۱۳۹

این‌سو موجب شد که پژوهشگران امریکایی نیز تاریخ را همچون نوعی روایت بررسی کنند (مارتین، ۱۳۹۱: ۱۳).

با توجه به مطالب فوق‌الذکر و درک روایت به‌عنوان دانشی که امکان فهم بهتر وقایع و رخداد‌های تاریخی را برای پژوهشگر مهیا می‌کند، این پژوهش به دنبال تحلیل مدل کنشگران و نحو روایی روایت اردشیر زاهدی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در خاطراتش با عنوان پنج روز بحرانی است. در حقیقت اردشیر زاهدی با بیان روایتی از کودتای ۲۸ مرداد، پژوهشگر را به جهانی دعوت می‌کند که برخاسته از علائق، گرایش‌های فکری و سیاسی و به تبع آن زاویه دیدی است که وی در این ارتباط برگزیده است. با شناخت نحو روایی و مدل کنشگران روایت زاهدی، می‌توان به این سؤالات پاسخ داد که درک زاهدی از وقایعی که منتهی به کودتای ۲۸ مرداد شد چگونه بوده است. بازنمایی کودتا از سوی وی چگونه انجام پذیرفته است و اصولاً تفاوت روایت زاهدی با سایر روایت‌های موجود از کودتا، کاستی‌های این روایت، حذف‌ها و تحریف‌هایش به چه میزان است.

روایت، نحو روایی و مدل کنشگران

تمام تعاریفی که ناظر بر روایت داستانی هستند، شامل ارکان «تغییر موقعیت»، «توالی یا زمان‌مندی»، «هدفمندی یا علیت» و «پی‌رنگ»^۱ می‌شوند. در میان کسانی که به تعریف روایت پرداخته‌اند، افرادی مانند مایکل تولان^۲ (۱۳۸۳: ۲۰) و رولان بارت (۱۳۸۷: ۹)، شناخته شده‌اند، شاید کامل‌ترین تعریف را اشمید ارائه داده باشد. او مفهوم روایت را دارای دو معنای اساسی می‌داند، یکی جامع و دیگری محدود. مفهوم جامع روایت به بازنمایی‌هایی اشاره دارد که تغییر وضعیت یا موقعیت را در بر می‌گیرند. در بافت این تعریف، وضعیت به مجموعه‌ای از خصوصیات متناسب به یک عامل یا یک موقعیت بیرونی در زمانی خاص اشاره دارد. بنابراین، از دید اشمید کمترین شرط روایت‌مندی این است که حداقل یک تغییر وضعیت آشکار شود. او تغییر وضعیتی را که در برگیرنده روایت‌مندی باشد، بر عناصر زیر مبتنی می‌داند: ۱. یک ساختار زمانی با حداقل دو وضعیت: موقعیت ابتدایی و موقعیت انتهایی. به عبارتی روایت پیش از هر چیز یک «ساختار» است. این ساختار یک ویژگی دارد و آن چیزی نیست جز «زمانی بودن» آن. این ساختار زمانی نیز باید نمایانگر دو وضعیت باشد و چنانچه این دو وضعیت ابتدایی و انتهایی وجود نداشته باشد، روایتی وجود نخواهد داشت؛ ۲. معادله موقعیت‌های ابتدایی و انتهایی، برابر با وجود شباهت و تضاد بین وضعیت‌ها یا دقیق‌تر هویت

1. Plot.

2. Michael J. Toolan.

۱۴۰ / بررسی نحو روایی و مدل کنشگران در روایت اردشیر زاهدی ... / مهدی رفعتی‌پناه و ...

و تفاوت خصوصیات این وضعیت‌ها. حال اگر روایت دارای ساختار زمانی و وضعیت‌های ابتدایی و انتهایی باشد، باز هم به وجود تعادل، آنچنان‌که تودوروف بیان کرده است، میان دو وضعیت نیاز است؛ ۳- هر دو وضعیت و تغییری که بین این دو رخ می‌دهد باید به تنهایی متوجه یک سوژه و کنشگر باشد. به عبارتی روایت باید هم ساختار زمانی داشته باشد، هم تغییر وضعیت و وجود تعادل را نشان دهد و هم ناظر بر یک سوژه و کنشگر باشد. نمی‌توان روایتی را بر اساس یک کنشگر خاص شروع کرد و با کنشگر دیگری آن را به اتمام رسانید (اشمید، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۵).

به این ترتیب، روایت نه تنها باید بیانگر تغییر وضعیت از حالتی به حالت دیگر باشد، بلکه این تغییر وضعیت باید در بستر زمان و توالی سببی رخدادها باشد. روایت ساخته می‌شود و رخدادها به صورت هدفمند و بر اساس پی‌رنگ خاصی به هم متصل می‌شوند. با بررسی پیرنگ روایت و یافتن روابط بین سه پاره ابتدایی، میانی و انتهایی روایت می‌توان قسمتی از معنا را در روایت به دست آورد. با این حال از دید نشانه‌معناشناسان، دسترسی بیشتر به معنا باید از طریق عناصر دیگر ساختار صورت گیرد. یکی از این عناصر، الگوی مدل کنشگران یا نحو روایی است. نشانه‌معناشناسان معتقدند که مدل کنشگران اصولاً بر بستر پیرنگ قرار دارد و شخصیت‌های روایی، وابسته به این الگو هستند. بر این اساس یکی از ویژگی‌های الگوی کنشگران حضور جایگاه‌هایی است که از قبل برای هر شخصیت داستانی تعیین شده است و شخصیت‌های داستانی باید در این جایگاه‌ها قرار گیرند و لذا از رابطه هر جایگاه و شخصیت، با جایگاه و شخصیت دیگر، قسمتی از معنا تولید می‌شود. در روایت‌های تاریخی مندرج در منابع و اسناد تاریخی نیز همین الگو را می‌توان در نظر گرفت (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). پیروی از این الگو و بررسی مدل کنشگران در روایت‌های تاریخی امکان زیادی را برای محقق و پژوهشگر تاریخ فراهم می‌کند تا بتواند ضمن نقد منابع، به فهم آنها و اهدافشان از روایت وقایع و رویدادها نائل آید.

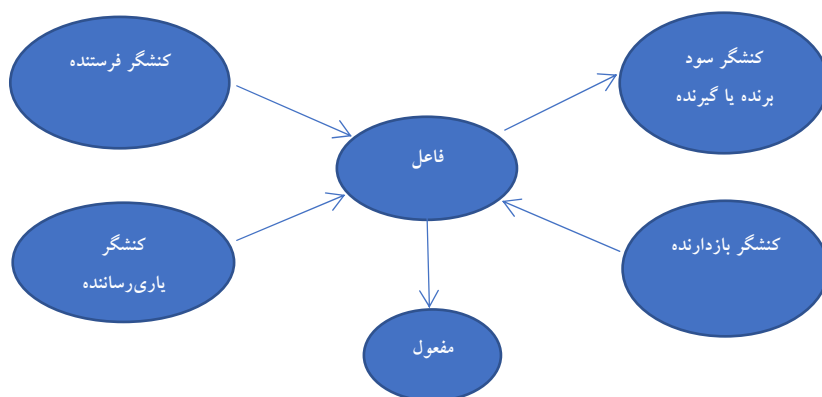
پیش از این اشاره شد که سوسور دوگانه‌ای بین زبان و گفتار یا دال و مدلول ایجاد کرد و این دوگانه راه جدیدی را در مطالعات زبان‌شناختی باز کرد تا افرادی چون یلمسلف، لوی اشتروس و... به پیشبرد دستاوردهای زبان‌شناسی سوسور و گسترش دامنه مطالعات نشانه‌شناسی بپردازند؛ چنانکه گرمس توانست با تکیه بر موضوعات معناشناختی، گونه‌های متفاوتی از تقابل را معرفی و طبقه‌بندی کند. وی در صورت‌بندی روایت دریافت که می‌توان سه جفت تقابل دوگانه را در هر ساختار روایی تشخیص داد (فاعل/مفعول؛ فرستنده/گیرنده؛ یاری‌رسان/بازدارنده) (احمدخانی، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲). بنابراین در مدل کنشگران یا نحو روایی،

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸ / ۱۴۱

شش نقش وجود دارد. در کنار این امر همانطور که قبلاً گفته شد، نشانه‌معناشناسی به دنبال بررسی معنا و چگونگی ظهورش در سطح است. تمرکز بر روساخت روایت موجب شد تا نشانه‌شناسان دریابند که نقش بر اساس نمود کنش فعل از طریق وجه تعیین می‌شود. وجه را نیز عمدتاً رویکرد نشانه‌شناختی اجتماعی به سؤال درباره‌ی صدق دانسته‌اند که موضوع **بازنمایی** واقعیت در مقابل تخیل، امر حقیقی در برابر امر ساختگی، گزاره معتبر در مقابل گزاره جعلی و سؤال درباره‌ی تعامل اجتماعی است. به این ترتیب سؤال درباره‌ی صدق به سؤالی اجتماعی تبدیل می‌شود؛ چراکه ممکن است در یک بافت اجتماعی درست و در بافتی دیگر نادرست باشد. پس زبان‌شناسان و نشانه‌شناسان در هنگام بررسی روایت و مدل کنشگران هرگز این سؤال را نمی‌پرسند که «این چقدر درست است؟» بلکه می‌پرسند که «به چه میزان درست **بازنمایی** می‌شود؟». در حقیقت آنها با درستی مطلق کاری ندارند، بلکه به درستی از دیدگاه گویندگان، خوانندگان، نویسندگان و دیگر خالقان نشانه و منابع نشانه‌شناختی ارتباط توجه می‌کنند (همان: ۱۳۱). این موضوع منجر به پیدایش امکانی برای توجه به نظام‌های اجتماعی و الگوهای رفتاری در بررسی روایت شد. لذا روایت دیگر صرفاً متن نوشتاری در نظر گرفته نمی‌شود. از این پس روایت جزء زیرساختی تماماً گفتمانی و نشان‌دهنده‌ی سازماندهی دنیای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (همان: ۲۲).

نحو روایی آنچنان که ذکر شد، به شش دسته به قرار زیر تقسیم می‌شود:

۱. کنشگر فاعل: او کسی است که عمل می‌کند و به طرف شیء ارزشی (مفعول) می‌رود؛
۲. شیء ارزشی یا مفعول: هدف و موضوع فعال کنشگر است؛
۳. کنشگر فرستنده: کسی است که فاعل کنشگر را به مأموریت می‌فرستد و دستور اجرای فرمان را می‌دهد؛
۴. کنشگر گیرنده: کسی است که عمل می‌کند و به طرف مفعول یا شیء ارزشی می‌رود؛
۵. کنشگر یاری‌رسان: کسی است که به فاعل کنشگر کمک می‌کند تا به شیء ارزشی برسد؛
۶. کنشگر بازدارنده: کسی است که مانع فاعل کنشگر جهت رسیدن به شیء ارزشی است (عباسی، ۱۳۹۳: ۶۹).



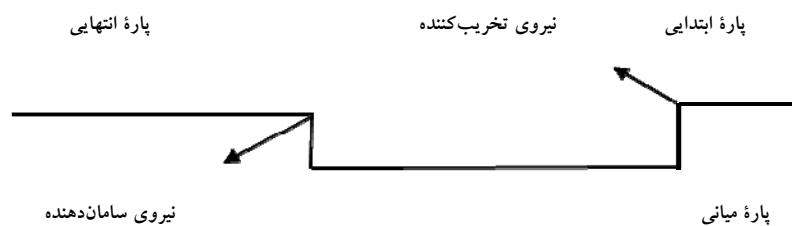
همچنین می‌توان نحو روایی را از طریق طرح‌واره روایتی کانونی بررسی کرد و مدل کنشگران را به صورت بهتری درک کرد. اصولاً از نظر فعلی، تمام مراحل را که عامل فاعلی از مرحله شکل‌گیری تا مرحله تحقق طی می‌کند، می‌توان به صورت زیر نمایش داد. بر این اساس از مرحله مقدماتی که شامل فعل «خواستن» و «بایستن» می‌شود، به مرحله بالقوه که افعال «دانستن» و «توانستن» را در بر می‌گیرد، گذر می‌شود و از آنجا به مرحله کنش یا مرحله بالفعل (تحقق) عمل می‌رسد. این مرحله فعل «شدن» و «به انجام رسیدن» را در بر دارد. به این ترتیب و بر اساس این فرایند، اراده و خواستی یا الزام و بایستی برای انجام کاری پدید می‌آید، این اراده و الزام را باید به فاعلی سپرد که توانایی و دانش (آگاهی) لازم برای تحقق آن را داشته باشد. پس از طی این دو مرحله است که به مرحله کنش یا تحقق عمل می‌رسیم. در این مرحله کار یا به انجام می‌رسد یا فاعل از عهده انجام کار بر نمی‌آید. پس از مجموعه افعال مؤثر «خواستن» و «بایستن» و نیز «توانستن» و «دانستن»، فاعل توانشی شکل می‌گیرد. چنین فاعلی پس از اجرای عملیات اصلی تبدیل به فاعل کنشی می‌شود. جدول زیر این فرایند را نشان می‌دهد (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۲۲):

حرکت عامل فاعلی از نظر فعلی		
کنش	توانش	
مرحله بالفعل (تحقق عمل)	مرحله بالقوه	مرحله مقدماتی
شدن، به انجام رساندن	«دانستن»، «توانستن»	«خواستن»، «بایستن»
فاعل تحقق یافته یا بالفعل	فاعل بالقوه (فاعل آماده عملیات)	فاعل ابتدایی یا مقدماتی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸ / ۱۴۳

اصولاً از نگاه روایت‌شناسان و نشانه‌معناشناسان واحدهای معنایی یک روایت بر روی پنج سطح سوار می‌شوند. وضعیت یا پاره ابتدایی، نیروی تخریب‌کننده، پاره میانی، نیروی سامان‌دهنده و پاره انتهایی روایت. این پنج پاره یک ابرساختار را تشکیل می‌دهند. این ابرساختار لانگ روایت است (عباسی، ۱۳۹۳: ۷۷).

بنابراین در بررسی نحو روایی روایت‌های تاریخی، می‌توان این مدل را به کار بست و از طریق آن برخی از روایت‌های تاریخی مندرج در اسناد و منابع را نقد کرد و به درک بهتری از آن رسید. طبعاً هر روایت بر اساس نظام فکری و ایدئولوژیکی و... راوی یا نویسنده آن طراحی شده است و نحو روایی آن متفاوت از روایت‌های دیگر، از حیث داده‌های تاریخی و نتیجه و نه از حیث ساختاری است. محقق تاریخ با بررسی این تفاوت‌ها، امکان فهم بهتری از هر روایت و بررسی نسبتش با روایت‌های دیگر را درباره یک واقعه و رویداد واحد، برای خود فراهم می‌کند و نقد قوی‌تری را بر روایت از حیث تأثیر عوامل ایدئولوژیکی، فکری، مرامی، اجتماعی و... بر انتخاب داده‌ها و گزینش منابع و نحوه تدوین آنها و ساخت روایت وارد می‌کند.



بررسی روایت زاهدی از کودتای ۲۸ مرداد

روایت اردشیر زاهدی از کودتای ۲۸ مرداد روایتی است بر اساس زاویه دید وی و منحصر به کنش‌های فضل‌الله زاهدی و اطرافیانش. این روایت، روایتی است محدود و به شدت کانونی شده به نحوی که کنشگران آن و کنش‌های موجود آن منحصر به تعدادی از همراهیان زاهدی و تلاش‌های آنها برای رسیدن به قدرت و کنارزدن دکتر مصدق می‌شود.

روایت اردشیر زاهدی از کودتا فاقد پاره ابتدایی روایت به صورت واضح است. وی شروع روایتش را از فرمان نخست‌وزیری پدرش فضل‌الله زاهدی در نظر می‌گیرد. شروع روایت کودتا بدون بیان صریح پاره ابتدایی آن که نخست‌وزیری دکتر مصدق است، به خواننده اینگونه تلقین می‌کند که پاره ابتدایی از نظر زاهدی مهم نبوده و وی اصولاً موضوعیتی برای آن در نظر

۱۴۴ / بررسی نحو روایی و مدل کنشگران در روایت اردشیر زاهدی ... / مهدی رفعتی پناه و ...

نگرفته است. بی‌توجهی اردشیر زادی به پاره ابتدایی و شروع روایت با نیروی تخریب‌کننده، ذهن خواننده را از توجه به طرح سؤال از چرایی عزل مصدق و دلایل نصب فضل‌الله زاهدی منحرف کرده و کانون تحولات را بر فرمان شاه و اهمیت آن قرار می‌دهد. این چنین انحرافی زمینه را برای پیشبرد روایت در پاره‌های بعدی و بازنمایی جریان کودتا به‌عنوان جنبشی مردمی، مشروع و قانونی مهیا می‌کند. لذا زاهدی با شروع روایت از نقطه ورود نیروی تخریب‌کننده از پاره اول به پاره میانی وارد می‌شود. صدور فرمان عزل مصدق و نصب زاهدی به مثابه نیروی تخریب‌کننده زمینه را برای شروع پاره میانی فراهم می‌کند و بدین‌گونه روایت کودتا شکل می‌گیرد. در حقیقت رخداد این روایت، عزل مصدق و نصب زاهدی است.

با برهم‌خوردن تعادل روایت، پاره میانی آغاز و تلاش برای رسیدن به تعادل در پاره سوم روایت شروع می‌شود. این تلاش از مرحله مقدماتی «خواستن و بایستن» که همان فرمان شاه است شروع و به مرحله بالقوه یا توانشی وارد می‌شود. به‌عبارتی حکم شاه برای زاهدی جهت تصدی منصب نخست‌وزیری، او را در مرحله اول یعنی مرحله خواستن قرار می‌دهد و لذا شاه به‌عنوان کنشگر فرستنده و زاهدی به‌عنوان هم‌فاعل و هم‌کنشگر گیرنده معرفی می‌شوند. کنشگران یاری‌رسان نیز در این روایت، افرادی هستند که همراه فضل‌الله زاهدی برای رسیدن به قدرت به‌عنوان شیء ارزشی کنش دارند. افرادی مانند سرتیپ گیلان‌شاه، سرلشکر باتمانقلیچ، تیمسار تقی‌زاده، حائری‌زاده، عبدالرحمن فرامرزی، عده‌ای از افسران بازنشسته و یکی دو نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی. البته تعداد این افراد در جریان روایت نیز بیشتر می‌شود، ولی به‌رحال تعداد آنها بیش از ۲۰ نفر نیست.

مرحله توانشی یا مرحله بالقوه «دانستن، توانستن»، در این روایت پس از دریافت حکم شاه شروع می‌شود و با اقامت کنشگران این روایت در منزل مصطفی مقدم و سپس حسن کاشانیان شکل عینی به خود می‌گیرد. در این مرحله منزل مقدم و کاشانیان به‌عنوان مکان توانش حائز اهمیت است. با حضور در این محل، اقدامات و فعالیت‌های لازم برای کسب آمادگی و مهارت جهت دستیابی به شیء ارزشی آغاز می‌شود. طرح‌ها، برنامه‌ها و هماهنگی‌های لازم انجام می‌گیرد و به هر یک از کنشگران وظایف و نحوه عملی کردن آنها آموزش داده می‌شود. نصب افراد برای پست‌های مهم، نحوه ابلاغ فرمان شاه به مصدق، نحوه تسلط بر ستاد ارتش، نحوه تسلط بر امور بی‌سیم پهلوی و... از آمادگی‌هایی است که در مرحله توانشی حاصل می‌شود.

نکته حائز اهمیتی که در روایت اردشیر زاهدی وجود دارد، اتصاف فضل‌الله زاهدی به صفاتی است که عموماً جهت نشان‌دادن توانایی او برای تصدی پستی مثل نخست‌وزیری ضروری است. زاهدی پدرش را به صفاتی مانند خونسرد، مصمم متصف می‌کند. «... پدر در

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸ / ۱۴۵

این‌گونه مواقع تسلط و احاطه عجیبی بر اعصاب خود داشت و هر چه خطر را نزدیک‌تر می‌دید، خونسردتر و مصمم‌تر به نظر می‌رسید و سریع‌تر تصمیم می‌گرفت و اجرا می‌کرد.» (زاهدی، ۱۳۸۱: ۴۷۱) در این عبارات زاهدی، پدرش را دارای سه ویژگی قدرت تصمیم‌گیری، قدرت کنترل و تسلط بر اوضاع و قدرت اجرایی کردن تصمیمات در مواقع سخت معرفی می‌کند. این ویژگی‌ها در کنار ویژگی‌هایی که در بقیه بخش‌های روایت از پدرش به تصویر می‌کشد در کنار متهم کردن دکتر مصدق به صفات متضادی مانند قانون‌گریزی و یاغی‌گری، درصدد شخصیت‌پردازی دوگانه و متضادی از فضل‌الله زاهدی و دکتر مصدق است. اولی شخصی می‌شود خدمتگزار، مصمم، مدیر و... و دیگری شخصی قانون‌شکن و یاغی.

پاره سوم روایت زاهدی از کودتا، زمانی شروع می‌شود که روایت از حالت بالقوه خارج و به حالت بالفعل و کنش وارد می‌شود. این مرحله با فرستادن سرهنگ نصیری برای ابلاغ حکم شاه به مصدق مبنی بر عزل وی و نصب زاهدی شروع می‌شود؛ اما با شکست وی در انجام عملیاتش، روایت زاهدی در نیمه راه به پایان می‌رسد. این نقطه را باید نقطه شروع روایت دوم وی از کودتا برشمرد. در حقیقت زاهدی در بساخت روایت کودتای ۲۸ مرداد به جای ارائه یک روایت، دو روایت را بیان می‌کند. براین اساس شروع روایت دوم یا پاره آغازین روایت دوم، چیزی نیست جز پایان روایت اول. در حقیقت با شکست نصیری روایت به حالت تعادل رسیده است و فاعل در کنش خود به شکست می‌رسد. به این ترتیب روایت اردشیر زاهدی از کودتا روایتی است پرتنش و چند لایه. پس از ورود به روایت دوم و پیش از بیان رخداد این روایت که منجر به برهم خوردن تعادل در روایت و به تبع آن تکمیل روایت می‌شود، اردشیر زاهدی شخصیت‌پردازی روایتش را بیشتر پی می‌گیرد. در روایت اول اگر اردشیر زاهدی صرفاً به پردازش شخصیت فضل‌الله زاهدی پرداخته است؛ در روایت دوم ضمن پیشبرد همین امر، به سراغ شخصیت‌پردازی مصدق به عنوان کنشگر بازدارنده روایت نیز می‌رود. زاهدی در این بخش از روایت به صحنه‌پردازی برای نشان دادن شخصیت پدرش می‌پردازد:

پدرم پس از لحظه‌ای سکوت، خطاب به ما گفت: فکر می‌کنم همه از وقایعی که پیش آمده مستحضر شده‌اید... آنچه مسلم است، دکتر مصدق از اجرای فرمان شاهنشاه سر باز زده و فعلاً رویه‌ای در پیش گرفته که جز یاغیگری نام دیگری بر آن نمی‌توان نهاد. مجلس سنا و شورای ملی را که تنها مرجع رسیدگی به وضع آشفته فعلی است منحل کرده و در حال حاضر تمام قدرت‌ها دست اوست. به این ترتیب آینده ما معلوم است. اگر تا کنون پنهان و دور از انظار به سر می‌بردیم من بعد به هیچ‌وجه گذشت و ترحمی به ما نخواهند

کرد... با این وضعی که پیش آمده... من ناچار به ادامه مبارزه با این مرد هستم و تا جان در بدن دارم راهی را که پیش گرفته‌ام، دنبال می‌کنم چون به اعلی حضرت فقید بی نهایت علاقمند بوده و هستم و نسبت به شاهنشاه نیز سوگند وفاداری یاد کرده‌ام و فرمان ایشان را در دست دارم، بنابراین خود را موظف می‌دانم تا آخرین قطره خونم در راه خدمت به مملکت و اعلی حضرت پایداری و مقاومت و مبارزه کنم. نه تنها مبارزه بلکه شدیداً علیه این یاغی که حتی حاضر نیست فرمان شاه را اطاعت کند جهاد خواهم کرد (همان: ۴۸۰).

جملات فوق در پی شخصیت پردازی مستقیم و غیرمستقیم، مصدق را شخصیتی معرفی می‌کند قانون‌شکن، یاغی، دیکتاتور، بی‌رحم و... این در حالی است که صفات قانون‌مدار، وطن‌پرست، از جان گذشته و فداکار را به زاهدی نسبت می‌دهد و به این طریق دوگانه‌های مختلفی را ایجاد می‌کند. بنابراین شخصیت‌پردازی زاهدی از پدرش به نحوی مکمل شخصیت پردازی و عطف به ویژگی‌هایی است که پیش از این برای وی ذکر شده بود. به عبارتی اردشیر زاهدی در بساخت روایت کودتا، در برخی از مواضع روایت از مکث توصیفی و صحنه‌پردازی استفاده می‌کند. یکی از موارد تکرار شونده، مکث مربوط به سخنرانی‌های پدرش در جمع یارانش است. به نظر می‌رسد کاستن از شتاب زمانی در روایت زاهدی بیشتر جهت بازنمایی شخصیت پدر به عنوان انسانی جدی، مصمم، خونسرد، امیدوار، وطن‌پرست و... است. همچنین مکث بر شخصیت‌پردازی زاهدی از پدرش کارکرد دیگری در این روایت دارد و آن هم شخصیت‌پردازی از مصدق است. در این روایت همواره مصدق و صفات اطلاق شده به وی، در جهت عکس زاهدی و صفات او قرار می‌گیرد.

اکنون بینیم که روایت دوم چگونه پیش می‌رود. پاره اول این روایت با شکست طرح کودتا و دستگیری نصیری شروع می‌شود. در این موضع کنشگران یاری‌رسان و فاعل در وضعیتی انفعالی قرار دارند تا اینکه مشاجره و بحثی بین زاهدی پدر و پسر منجر به ایجاد رخداد روایت و برهم خوردن تعادل و عبور از پاره اول روایت می‌شود. پس از آنکه فضل‌الله زاهدی از پسرش می‌خواهد که او را ترک کند و در صورت دستگیری منکر هر گونه همکاری با پدر شود، اردشیر زاهدی از این خواسته سر باز می‌زند. همین امر منجر به فریاد پدر بر سر پسر می‌شود و اردشیر زاهدی نیز در مقابل دست به واکنش می‌زند. واکنش وی نیز با فریاد همراه است. «...من هم که کنترل اعصاب خود را از دست داده بودم، فریاد زدم: متأسفانه در این مورد نمی‌توانم امر شما را اطاعت کنم.» این واکنش منجر به تجدید نظر فضل‌الله زاهدی می‌شود و او مصمم می‌شود تا کار را دوباره از سر گیرد: «بدنم به شدت می‌لرزید و التهاب

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸ / ۱۴۷

عجیبی در خودم حس می‌کردم... لحظه‌ای بعد دستی روی شانهم خورد. وقتی سر بلند کردم پدرم را در مقابل خود دیدم. تا خواستم دست ایشان را ببوسم، مرا در آغوش گرفت و درحالی‌که اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت: بسیار خوب پس بنشینید تا تصمیمی برای کار خود بگیریم.» (همان: ۴۸۲).

بدین‌گونه اردشیر زاهدی خود را در جایگاهی قرار می‌دهد که گویی عامل برهم‌زننده تعادل در روایت است و البته این کار را با فعال‌کردن بُعد احساسی و عاطفی گفتمان انجام می‌دهد. وی برای این منظور از عبارات و جملاتی استفاده می‌کند که بار عاطفی و احساسی زیادی دارد:

حزن و اندوه عجیبی فضای اتاق را فراگرفته بود. تاریکی مطلق بر اتاق حکم فرما بود... پدرم... با لحن محکمی گفت: ... اردشیر تو جوان هستی و آینده‌ای در پیش داری که نبایستی تباه شود، بعد از من باید سرپرستی فامیل زاهدی را به عهده بگیری... خیلی منقلب شدم کلمات پدرم مانند سرب گداخته‌ای بود که به مغزم می‌ریختند. اشک در چشمانم حلقه زد. درحالی‌که بغض گلویم را می‌فشرده گفتم: پدر جان خون من از خون شما رنگین‌تر نیست. من از شما جدا نخواهم شد. اگر قرار است خون شما در راهی که پیش گرفته‌اید ریخته شود، چه بهتر که خون من هم به آن آمیخته شود(همان).

ایجاد فضای عاطفی و احساسی در گفتمان زمینه‌ای را در متن فراهم می‌کند تا از طریق آن راوی یا نویسنده روایت، امکان جذب همدلی و همراهی مخاطب را بیابد و روایت خود را باورپذیرتر کند. این باورپذیری امکان انتقال روایت از یک پاره را به پاره دیگر مهیا می‌کند. با واردشدن روایت از پاره اول به پاره میانی، کنشگران نیز از مرحله مقدماتی وارد مرحله توانشی یا بالقوه می‌شوند. اگر پیش از این و در روایت اول، مرحله مقدماتی کار در قالب بایستن تعریف شده بود، در این روایت، این مرحله بیشتر در قالب خواستن تعریف می‌شود. کنشگران این روایت می‌خواهند که کنش را انجام دهند و بدین‌گونه بایسته‌ای را برای خود تعریف می‌کنند. مرحله توانشی جهت ایجاد توانایی برای دستیابی به شیء ارزشی یا مفعول در این روایت شامل عناصری چون تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی درباره گرفتن عکس از فرمان شاه مبنی بر نخست‌ویزری زاهدی، چگونگی ارسال آن به ادارات و مجلات و مؤسسات دولتی، چگونگی تماس با دستگاه‌های انتظامی و... می‌شود.

پس از مرحله توانشی، مرحله کنشی و بالفعل روایت آغاز می‌شود. هر یک از کنشگران یاری‌رسان جهت انجام اموری که به آنها محول شده است، کار خود را آغاز می‌کنند. نکته مهم

۱۴۸ / بررسی نحو روایی و مدل کنشگران در روایت اردشیر زاهدی ... / مهدی رفعتی پناه و ...

در ارتباط با این مرحله، تأکیدی است که راوی و نویسنده بر روی فرمان شاه دارد. مهمترین بخش مرحله کنش روایت، اقداماتی است که راوی جهت تهیه عکس از فرمان شاه و انتشار آن انجام می‌دهد. در حقیقت راوی با مکث توصیفی و کاستن از شتاب روایت سعی به ارائه سرعت حداقلی در روایت خودش از اهمیت فرمان شاه و چگونگی گرفتن عکس و تکثیر آن دارد. دلیل این امر هم موضع‌گزینی‌ای است که راوی در ارتباط با این فرمان انجام داده است. روایت اول زاهدی از ماجرا، بر صدور فرمان شاه مبنی بر نخست‌وزیری زاهدی و عزل مصدق بوده است و از همین موضع است که زاهدی، مصدق را شخصیتی قانون‌شکن می‌داند. به عبارتی پایه روایت زاهدی از کودتای ۲۸ مرداد و مشروعیت‌بخشی به آن از طریق همین فرمان است. پس طبیعی است که موضوع فرمان شاه نقش محوری در این روایت بازی می‌کند.

زاهدی در ادامه روایتش تلاش می‌کند تا مردمی بودن کودتا را نیز پیش بکشد. در حقیقت تکیه بر فرمان شاه در کنار نقش پررنگ مردم در روز کودتا مجالی را فراهم می‌کند تا اردشیر زاهدی مشروعیت کودتا را از دو جنبه قانونی بودن و مردمی بودن در ذهن خواننده باورپذیر کند. هر چند در مرحله کنش، بخشی از کنش زاهدی و یارانش به تلاش جهت اقدام نظامی با کمک افرادی چون بختیار در کرمانشاه و ضرغام در اصفهان باز می‌گردد؛ اما روایت مسیرش را بر اساس پی‌رنگی که بیشتر بر حرکتی مردمی تأکید دارد تا کودتایی نظامی، ادامه می‌دهد. زاهدی با پیش کشیدن حضور فعال و خودجوش مردم، پدرش را رهبر کودتای نظامی نمی‌داند، بلکه او را در کسوت رهبری ملی و مردمی نشان می‌دهد که تظاهرات و قیام خودجوش مردمی را در مسیری هدایت می‌کند که منتهی به پیروزی می‌شود.

درعین حال اردشیر زاهدی با هدایت روایت در مسیری که نشانگر نداشتن برنامه‌ریزی قبلی در شکل‌گیری تظاهرات ضد مصدق است، تلاش می‌کند به قدرت‌رسیدن پدرش را نه بر اساس طرحی امریکایی‌انگلیسی و با حمایت گروه‌ها و افرادی از داخل، بلکه آن را بدون هرگونه برنامه‌ریزی قبلی معرفی کند و این اتفاق را صرفاً بر اساس شکل‌گیری حرکت خودجوش مردمی بداند که زاهدی خود را به‌عنوان رهبر و هدایت‌کننده آنها نشان داد:

پدرم این وضع (وضع شهر و آشفتگی امور و حضور مردم) را خیلی تند و صریح بیان کردند... وقتی صحبتش تمام شد، فوری مداد و کاغذ از جیب درآورد و با ترسیم چندخط کج و معوج خیابان‌های تهران را به هشت قسمت تقسیم کرد و مسئولیت هر قسمت را به عهده یکی از حاضرین سپرد و نام مسئول هر قسمت را روی همان نقشه‌ای که کشیده بود یادداشت کرد(همان):

۵۶۳.

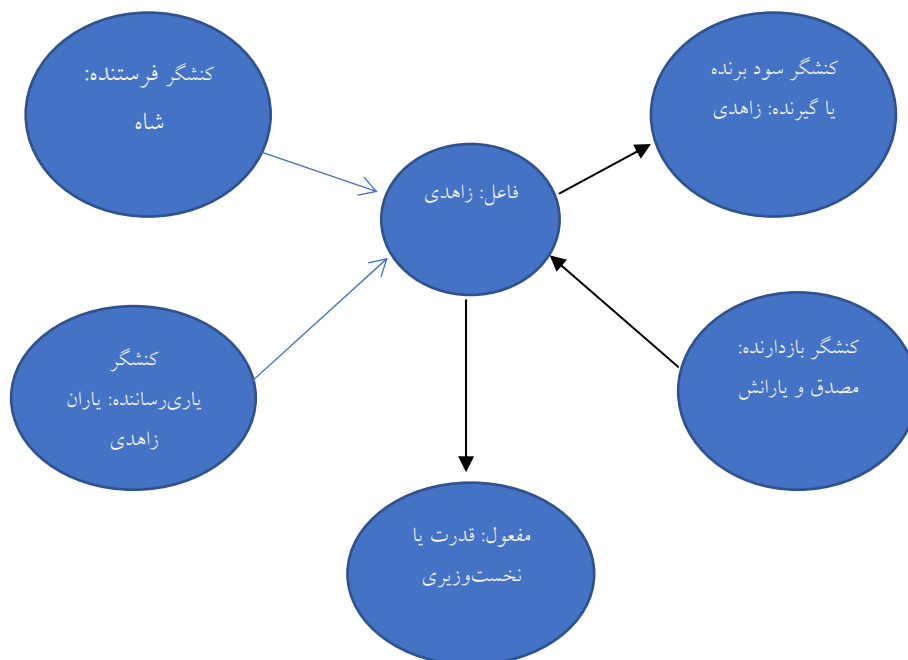
تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸ / ۱۴۹

درحالی‌که اردشیر زاهدی در برساخت روایت کودتای ۲۸ مرداد تأکیدش را بر بُعد مردمی کودتا گذاشته است، در مقابل سعی می‌کند، نیروهای حافظ مصدق را در مقابل مردم قرار دهد. به عبارتی وی نقشی ضد ملی و ضد مردمی برای مصدق و حامیانش در نظر می‌گیرد.

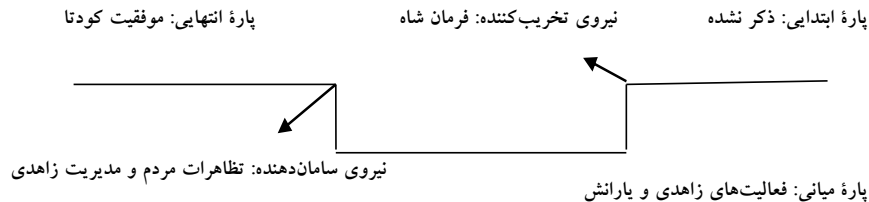
آخرین نفری که به جمع ما پیوست مهندس ابوالقاسم زاهدی بود که از حوالی خانه دکتر مصدق آمده بود. وی اظهار داشت در آنجا مواجهه مردم با مأمورین انتظامی صورت وخیمی به خود گرفته چون مأمورین محافظ منزل مصدق هر گونه تظاهراتی را از طرف مردم با گلوله جواب می‌دهند و به همین جهت تا به حال عده‌ای کشته شده‌اند(همان:۵۶۴).

زاهدی روایتش درباره کودتا را با ترسیم شخصیتی مقتدر، مردمی و جسور از پدرش به پایان می‌رساند. کسی که با درایت، شجاعت، خونسردی و با استفاده از توان مدیریتی‌اش توانست توده‌های پراکنده و نامنسجم مردمی را که علیه دولت مصدق به صورت خودجوش تظاهرات می‌کردند انسجام بخشیده و حکومت غیرقانونی مصدق را بدون هر گونه کمکی از سوی بیگانگان از سر راه بردارد.

نحو روایی و مدل کنشگران روایت زاهدی به صورت زیر است:



۱۵۰ / بررسی نحو روایی و مدل کنشگران در روایت اردشیر زاهدی ... / مهدی رفعتی پناه و ...



بررسی برخی از حذف‌های روایت زاهدی

از طریق مقایسه روایت اردشیر زاهدی از کودتای ۲۸ مرداد با تحقیقات، اسناد و منابع موجود می‌توان به نکات تاریک، مبهم، حذف‌ها و تحریفات روایت وی واقف شد. زاهدی روایت خود از کودتا را از ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ آغاز می‌کند و بدین‌گونه هیچ سخنی از تمامی زمینه‌سازی‌ها و مقدمات طرح کودتا و نقش عوامل بیگانه در کودتا به میان نمی‌آورد. او با این کار نتیجه‌گیری‌هایی را که افرادی چون لوی هندرسون و جرج میدلتون و به‌طور کلی انگلیسی‌ها پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ درباره انجام کودتا به‌عنوان تنها راه‌حل‌رهایی از دست مصدق مطرح کرده بودند، نادیده می‌گیرد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۳۸) و بدین ترتیب هیچ حرفی از اقدامات مقدماتی کودتا به میان نمی‌آورد؛ فعالیت‌هایی مانند ملاقات نمایندگان سازمان جاسوسی انگلیس با نمایندگان بخش خاور نزدیک و آفریقای سازمان سیا در بین ماه‌های نوامبر و دسامبر ۱۹۵۲/ آبان - دی ۱۳۳۱ در واشنگتن (وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۸۱) و نحوه تدوین نقشه مشترک آمریکا و انگلیس درباره کودتا که در فروردین ۱۳۳۲ در واشنگتن به تصویب رسید و در اردیبهشت همان سال در پایگاه نظامی آمریکا در قبرس و سپس در خردادماه بار دیگر در بیروت بررسی و ارزیابی شد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۳۹؛ وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۹۳-۸۴).

زاهدی همچنین هیچ اشاره‌ای نمی‌کند که مصدق طرح مشترک آمریکا و انگلیس را برای حل مسئله نفت در اسفند ۱۳۳۱ نمی‌پذیرد و آمریکا نیز با تغییر مواضع خود در برابر دولت دکتر مصدق، با انگلیس درباره اجرای کودتا به توافق می‌رسد و به‌همین جهت مبلغ یک میلیون دلار به پایگاه سیا در تهران برای انجام کودتا می‌دهد (وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۹۶). بدین‌گونه مقامات مختلف آمریکایی و انگلیسی چون مدیر سیا، مدیر سرویس اطلاعاتی بریتانیا، وزیر امور خارجه بریتانیا، وزیر امور خارجه ایالات متحده، نخست‌وزیر بریتانیا، رئیس‌جمهور ایالات متحده با انجام کودتا به توافق رسیدند (همان: ۹۵) و در اینجا است که نقشه‌ای شش مرحله‌ای برای اجرای کودتا طراحی می‌شود. این مراحل شامل تبلیغات گسترده علیه مصدق و برانگیختن احساسات مردمی بر ضد دولت وی؛ سازماندهی شاخه نظامی کودتا از سوی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸ / ۱۵۱

فضل‌الله زاهدی به کمک مالی سیا و اینتلجنس سرویس؛ کوشش جهت جلب همکاری شاه از طریق سفیر امریکا؛ جلب نظر برخی از نمایندگان مجلس برای فراهم‌آوردن زمینه برکناری «شبه قانونی» دولت مصدق؛ سازماندهی هزاران تن از مردم جهت تظاهرات علیه مصدق از طریق فعالیت‌های سازمان سیا، متنفذان بازاری، مذهبی و برخی افراد چون برادران رشیدیان برای فراهم‌کردن زمینه برکناری «شبه قانونی» مصدق؛ و در آخر پیش‌بینی اینکه اگر کودتا از راه شبه قانونی به جایی نرسید، شاخه نظامی کودتا به رهبری زاهدی وارد عمل شوند. از سوی دیگر در نقشه کودتا پیش‌بینی شده بود که زاهدی دبیرخانه نظامی کودتا را به وجود آورده تا از این طریق هماهنگی‌های لازم جهت اقدام نظامی را انجام دهد (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۴۸۳-۴۸۲).

گذشته از مسائل فوق، اردشیر زاهدی که پدرش را رهبر کودتا معرفی می‌کند، هیچ بحثی از نحوه انتخاب او به‌عنوان یکی از عوامل کودتا به میان نمی‌آورد و بر توافق شاه، انگلیس و امریکا درباره او، برای جانشینی مصدق پرده می‌پوشاند (روزولت، ۱۳۹۴: ۱۹۳).

درحقیقت اردشیر زاهدی با حذف تمام وقایع و رخداد‌های مربوط به پیش از ۲۴ مرداد موجب نادیده‌گرفتن و پنهان‌ماندن چگونگی انتخاب رئیس عملیات کودتا، کرمیت روزولت و نقش وی در ایجاد هماهنگی‌های لازم بین نظامیانی چون فضل‌الله زاهدی، فرمانده نظامی کودتا، مخالفان مصدق در مجلس و نیز ارادل و اوباشی چون شعبان جعفری می‌شود (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۴۰-۲۳۸). زاهدی نقش سازمان سیا و پایگاه آن در تهران را در تبلیغات علیه مصدق به‌خصوص در روزهای برگزاری همه‌پرسی اختیارات ویژه به کلی حذف می‌کند و در نتیجه اقداماتی را که سیا در سازمان‌دادن به نشریات و روزنامه‌های مختلف محلی و غیر محلی جهت زیر سؤال‌بردن کارهای مصدق انجام داده بود، مسکوت می‌گذارد (وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۰۸).

گذشته از حذف تمام مقدمات کودتا، اردشیر زاهدی درباره وقایع ۲۴ تا ۲۸ مرداد نیز روایتی کاملاً جهت‌دار، همراه با حذف‌ها و نکات مبهم و تاریک ارائه کرده است. اردشیر زاهدی در بیان روایت کودتا با زیرکی دستگیری نصیری توسط یاران مصدق را نه یک بخش از برنامه طراحی‌شده کودتا بلکه صرفاً انجام دستور عزل مصدق و نصب فضل‌الله زاهدی به نخست‌وزیری از سوی شاه بازنمایانده است. این در حالی است که منابع نشان می‌دهند عملیات اجرایی کودتا در ساعت ده شب در ۲۴ مرداد با سخنرانی سرهنگ نصیری در کاخ سعدآباد و پادگان باغشاه برای افسران جهت دستگیری و بازداشت مصدق آغاز شده است (عظیمی، ۱۳۷۴: ۴۵۴؛ وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۱۴). زاهدی هیچ اشاره‌ای نمی‌کند که طبق برنامه کودتا سه گروه گارد سلطنتی به‌سوی منزل ریاحی رئیس ستاد ارتش و شماری از اعضای

۱۵۲ / بررسی نحو روایی و مدل کنشگران در روایت اردشیر زاهدی ... / مهدی رفعتی پناه و ...

کابینه نظیر دکتر فاطمی، حق شناس و زیرک زاده جهت بازداشت آنها رفتند. زاهدی درباره تلاش تیمسار باتمانقلیچ و سرهنگ آزموده جهت به دست گرفتن مرکز مخابرات و ستاد ارتش نیز هیچ مطلبی نمی آورد (آبراهامیان: ۲۵۴-۲۵۵؛ وطن دوست، ۱۳۷۹: ۱۱۵). زاهدی فقط درباره حرکت نصیری به سمت منزل دکتر مصدق سخن گفته است و آن هم جهت اجرای دستور شاه و ابلاغ حکم و نه انجام کودتا.

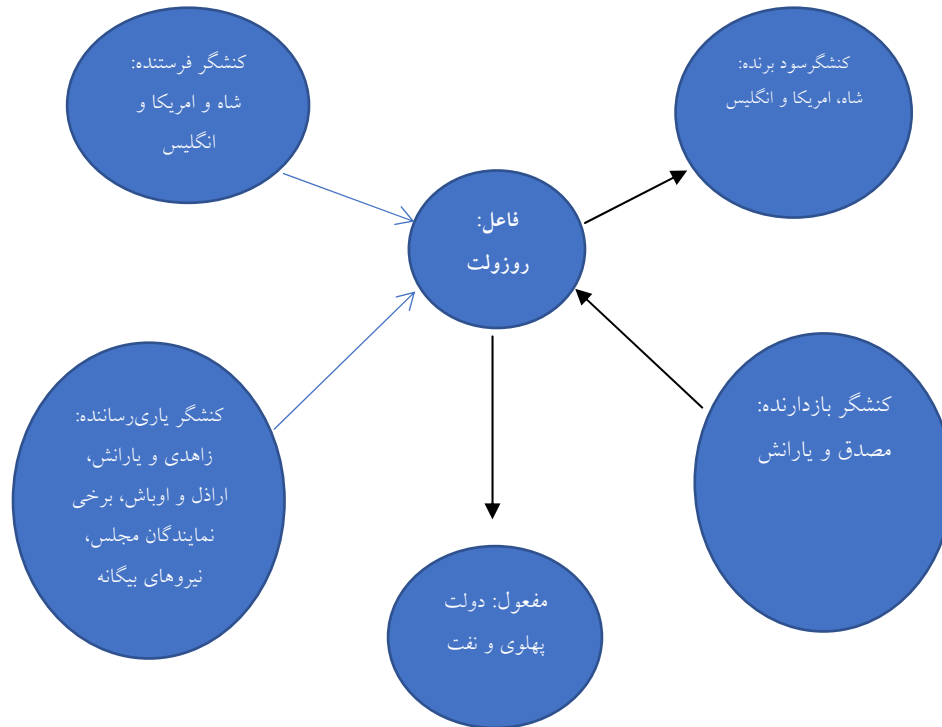
اردشیر زاهدی در روایتش از روزهای بعد از ۲۵ مرداد هیچ گونه ذکری از بازگشت هندرسون سفیر امریکا به تهران از بیروت پس از کودتای ۲۵ مرداد نمی کند (وطن دوست، ۱۳۷۹: ۱۲۸)، بازگشتی که تأثیر زیادی بر وقایع بعدی داشت. زاهدی گفت و گوی هندرسون با مصدق و نیز تأثیر این دیدار بر مصدق و تغییر نظراتش درباره کنار گذاشتن فکر همه پرسی برای برکناری محمدرضا شاه و انقراض پهلوی به میان نیاورده است. این در حالی است که برخی از پژوهشگران، این دیدار را بسیار مهم و تأثیرگذار ارزیابی کرده اند، دیداری که منجر به اشتباه «مهملک پیرمرد» شد و مصدق رسماً انجام هرگونه تظاهراتی را ممنوع کرد، ممنوعیتی که عملاً راه را برای سقوطش فراهم کرد (موحد، ۱۳۸۴: ۲ / ۸۲۴-۸۲۸؛ نجاتی، ۱۳۶۵: ۳۹۵-۳۹۴؛ رحمانیان: ۱۳۹۵، ۴۸۷؛ آبراهامیان: ۱۳۹۲، ۲۶۲-۲۶۳).

روایت زاهدی فعالیت هایی که جهت تخریب دولت دکتر مصدق و نیز بزرگنمایی های خطر حزب توده و ایجاد جمهوری در ایران از سوی مخالفان در روز قبل از کودتا صورت گرفت، مسکوت گذاشته است. در این روایت هیچ اشاره ای به نقش جرایدی مانند «ستاره اسلام» و نشریات دیگر در این زمینه نشده است، فعالیت هایی که ایجاد جمهوری را خطری برای دین به حساب می آوردند (رهنما، ۱۳۸۴: ۹۲۵).

زاهدی در روایت روز ۲۸ مرداد به نقش اردل و اوباش چون شعبان جعفری، طیب حاج رضایی، رمضان یخی و... در بستن بازار، حمله به مراکز دولتی و وزارتخانه ها و مهمتر از آن خیانت افرادی چون رئیس شهربانی کل کشور سرتیپ محمد دفتری و نیز نقش احتمالی هندرسون در فشار بر مصدق مبنی بر صدور دستور منع تظاهرات به خصوص از سوی حزب توده که منجر به باز شدن فضا برای ساماندهی کودتای ۲۸ مرداد شد نکرده است (رک: موحد، ۱۳۸۴: ۲ / ۸۲۸-۸۴۳؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۶۶). مطالب فوق تنها اندکی از حذف هایی است که در روایت اردشیر زاهدی درباره کودتا صورت گرفته است و طبعاً ذکر تمامی اطلاعات از محدوده این مقاله خارج است.

نتیجه

روایت زاهدی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، روایتی است با پی‌رنگی کاملاً مشخص و درعین‌حال چند لایه. روایتی که هرچند پاره ابتدایی روایت اول ناقص است؛ اما به شیوه‌ای جذاب، سلیس، با تصویرپردازی‌های پذیرفتنی پرداخت شده است. درعین‌حال باید متذکر شد که روایت زاهدی روایتی یک‌جانبه، یکسویگر و از لحاظ زاویه دید و کانونی‌شدگی به شدت محدود است. این روایت در دل خود حداقل دو روایت اصلی و روایت‌های خرد و کوچک فرعی را نیز در برمی‌گیرد. روایت زاهدی از کودتا دارای مدل کنشگران و نحوی است که تأکیدش بر بُعد قانونی و مردمی کودتا به‌عنوان حرکتی مردمی و نه حرکتی از پیش طراحی‌شده نظامی است. بر این مبنای روایت زاهدی با بی‌توجهی به پاره ابتدایی یعنی دولت مصدق (قبل از فرمان شاه) و حذف مقدمات و زمینه‌های کودتا، عملاً موضوعیت این دولت و مقدمات کودتا را نادیده گرفته و لذا امکان طرح سؤال از چرایی عزل و پیش کشیده‌شدن عوامل تنش بین شاه و مصدق را سلب می‌کند. زاویه دید محدود زاهدی منجر به ارائه روایتی هر چند سلیس؛ اما به شدت ناقص از کودتا می‌شود؛ روایتی که هیچ نقشی برای عوامل خارجی، سازمان‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و تکاپوی آنها برای انجام کودتا قائل نیست. گو اینکه کودتای ۲۸ مرداد را حدود ۲۰ نفر و آن هم نه با سازماندهی چندماهه و صرف هزینه‌های هنگفت بلکه با مشارکت مردمی و البته با ترسیم «چند خط کج و معوج خیابان‌های تهران» روی کاغذی مچاله شده به انجام رسیده است. این روایت هیچ‌ذکری از ارادل و اوباشی که به منظور انجام کودتا جمع‌آوری و سازماندهی شده بودند، به میان نمی‌آورد، افرادی مانند شعبان جعفری (بی‌مخ)، طیب حاج‌رضایی و... همچنین این روایت از کمک‌هایی که برخی از گروه‌های مخالف و منتقد مصدق به کودتا و کودتاچیان کردند، سخنی نمی‌گوید؛ از سوی دیگر، زاهدی حتی در این روایت، بیشترین تأکیدش بر نقش خود و پدرش است و بدین‌گونه جایگاهی ویژه در این جریان برای خود دست و پا می‌کند. شخصیت‌محوری روایت زاهدی از کودتا پدرش است. زاهدی با نادیده‌گرفتن نقش عوامل پیچیده سیاسی داخلی و خارجی و بدون توجه به پیش‌زمینه‌های این کودتا، دست به ساده‌سازی رخدادی زده است که هنوز با گذشت شش دهه، محل مناقشه و مباحثه‌های جدی در ایران است. زاهدی در شخصیت‌پردازی از پدرش چنان مبالغه کرده است که گویی فراموش کرده است که پدرش تنها یک عروسک خیمه‌شب‌بازی نزد شاه و عوامل بیگانه بوده است. به نظر می‌رسد مدل کنشگران روایت کودتا با توجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته و عطف به بررسی حذفیات روایت زاهدی از کودتا به صورت زیر می‌تواند ترسیم شود و تفاوت روایت زاهدی با پژوهش‌های تاریخی را نشان دهد.



کتاب شناخت

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲) کودتا، تهران: نشر نی.
- احمدخانی، محمدرضا (۱۳۹۲) نشانه‌شناسی: زبان و هنر، گردآورنده و مترجم، تهران: نشر گمان.
- بارت، رولان (۱۳۸۷) درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت، ترجمه محمد راغب، تهران: فرهنگ صبا.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۹۵) بوطیقای نثر، ترجمه انوشیروان گنجی، تهران: نی.
- تولان، مایکل جی (۱۳۸۳) درآمدی نقادانه‌زبان‌شناختی بر روایت، ترجمه ابوالفضل حرّی، تهران: فارابی.
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۹۲) جستارهایی در باب نظریه روایت و روایت‌شناسی، تهران: خانه کتاب.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۹۵) ایران بین دو کودتا، تهران: سمت.
- رهنما، علی (۱۳۸۴) نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، تهران: گام نو.
- روزولت، کرمیت (۱۳۹۴) کودتا: خاطرات کرمیت روزولت از کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه محسن عسکری، تهران: ثالث.
- سعیدفر، فاطمه و ذوالفقار علامی (۱۳۹۶) «تحلیل موقعیت روایی، پیرنگ و نحو روایی در داستان طبل هوشنگ مرادی کرمانی بر پایه روایت‌شناسی مکتب پاریس»، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی،

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸ / ۱۵۵

شماره ۴، سال ۲.

- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱) *مبانی معناشناسی نوین*، تهران: سمت.
- عباسی، علی (۱۳۹۳) *روایت‌شناسی کاربردی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عباسی، علی (۱۳۹۰) «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه‌معناشناختی ماهی سیاه کوچولو»، فصلنامه زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۷.
- عباسی، علی (۱۳۹۱) «کارکرد نحو روایی (مدل کنشگران) در تئاتر لورانزاسیو اثر موسه»، همایش ملی نقد ادبی، دوره ۲.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۴) *بحران دموکراسی در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز.
- مارتین، والاس (۱۳۹۱) *نظریه‌های روایت*، ترجمه محمد شهباب، چاپ ۵، تهران: هرمس.
- مکوئیلان، مارتین (۱۳۸۸) *گزیده مقالات روایت*، ترجمه فتاح محمدی، تهران: مینوی خرد.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۴) *خواب آشفته نفت*، تهران: کارنامه.
- مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ) (۱۳۸۱) *اردشیر زاهدی و اشاراتی به رازهای ناگفته به انضمام پنج روز بحرانی*، تهران: پیکان.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۵)، *جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- وطن‌دوست، غلامرضا (۱۳۷۹) *اسناد سازمان سیا درباره کودتای بیست و هشتم مرداد و سرنگونی دکتر مصدق*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- وولف، اشمید، (۱۳۹۴) *درآمدی بر روایت‌شناسی*، ترجمه تقی پورنامداریان و منیژه پاک‌مهر، تهران: سپاه‌رود.
- هرمن، دیوید، (۱۳۹۵) *عناصر بنیادین در نظریه‌های روایی*، ترجمه حسین صافی، تهران: نی.

List of sources with English handwriting

- 'abbāsī, 'alī, **reand yatshenasīye kārbordī**, Tehran: dāneshgāhe shahid beheshti.
- 'abbāsī, 'alī, “**kārkarde naḥve revāyī (modele konešgarān) dar te'ātre Lorānsīyāso aṭare Mose**”, hamāyeše mellīye naqde adabī, dore 2, 2012.
- 'abbāsī, 'alī, “**'obūr az morabba'e ma'nāyī be morabba'e tanešī: barrasīye nešāne-ma'nāšenāktī māhī siyāhe kūčulū**”, fašlnāmeze zabān and adabīyāte taṭbīqī, pāyīz 2011, Š7.
- 'azīmī, Faḵr al-Dīn, (1995), **boḥrāne demokrāsī dar Īrān**, translated by 'abd al-Rezā Hūšang Maḥdāvī and Bīžan Noḡarī, Tehrān: alborz.
- Herman, Deyvīd, **basic elemets of narrative**, translated by Hoseyn šāfi, Tehrān: ney, 2016.
- Ḥorrī, Abū al-Faẓl, (2013), **joštārhāyī dar babe naẓarīyeye revāyat and revāyatšenāsī**, Tehrān: kāneye ketāb.
- Maḥdāvī, 'abd al-Rezā (Hūšang), (2002), **Ardešīr Zāhedī and ešārātī be rāzhāye nāgofte be enzēmāme panj rūze boḥrānī**, Tehrān: peykān.
- Makū'īlān, Mārtīn, (2009), **gozīdeye maqālāte revāyat**, translated by Fattāḥ Moḡammadī, Tehrān: mīnūye kerad.
- Mārtīn, Vālās, (2012), **Naẓarīyehāye revāyat**, translated by Moḡammad Šahbā, Č5, Tehrān: hermes.
- Moand ḥhed, Moḡammad 'alī, (2005), **kābe āšofofteye naft**, Tehrān: kārnāme.
- Nejātī, Ġolāmrezā, (1986), **joḥbeše mellī šodane šan'ate nafte Īrān and kūdetāue 28 mordād 1332**, Tehrān: šerkate saḡāmīye entešār.
- Raḡmānīyān, Dāryūš, (2016), **Īrān beyne do kūdetā**, Tehrān: samt.
- Raḡnamā, 'alī, (2005), **nīrūhāye maḡhabī bar bestare ḡarekate nehzate mellī**, Tehrān: game now, 2005.
- Rozevelt, Kermīt, (2015), **kūdetā: kāṭerāte Kromīt Rozevelt az kūdetāye 28 mordād**, translated by moḡsen 'askarī, Tehrān: ṭāleṭ.
- Sa'īdfar, Fāṭeme, 'alāmī, Dolfaḡār, “**taḡlīle moḡe'īyate revāyī, peyrang and naḥve revāyī dar dāstāne Ṭable Hūšang Morādī Kermānī bar pāyeye revāyatšenāsīye maktabe pāris**”, fašlnāmeze moṭāle'āte naẓarīye and anvā'e adabī, Š4, s2, pāyīz 2017, Š77-96.
- Šo'eyrī, Ḥamīdreżā, (2002), **mabānīye ma'nāšenāsīye novīn**, Tehrān: samt.
- Tolān, Māykel Jey, (2004), **darāmādī naqādāne-zabānšenāktī bar revāyat**, translated by Abū al-Faẓl Ḥorrī, Tehrān: fārābī.
- Volf, Ešmīd, **darāmādī bar revāyatšenāsī**, translated by Taḡī Nāmdārīyān and Manīze Pākmehr, Tehrān: sīyāhrūd, 2015.

**An analysis of action pattern and Narrative Syntax in Ardeshi Zahedi's
narrative of the coup 28th Mordad 1332/ August 19th 1953¹**

Mahdī Raf'atī Panāh Mehrābādī²

Received: 2018.10.06

Accepted: 2019.05.19

Abstract

The coup of mordad 28, 1332 is considered as one of the most important events in contemporary history of Iran, which despite the fact that it happened nearly six decades ago, there is still a lot of controversy around it. This led to many different narratives of coup which have been made from the very beginning of its occurrence till now. Ardeshir Zahedi's narrative entitled "Five Days of Crisis" is one of the narratives written four years after the coup and contains information about the activities of Zahedi and his followers for the coup. This article, by using narrative analysis based on action pattern and Narrative Syntax is trying to show how this narrative by ignoring the role of internal and external causes of coup, has chosen a very narrow view of point and focalization. By this, it emphasizes the very legal, legitimate and democratic nature of the coup and Fazlullah Zahedi as a democrat and strong leader. However, according to documents and investigations, the coup was carried out in cooperation with numerous internal and external agents, and Fazlullah Zahedi was merely a military commander of the coup and not a popular leader.

Keywords: the coup 28th Mordad, Ardeshir Zahedi, Action Pattern and Narrative Syntax, Narrative, Narratology.

1. DOI: 10.22051/hph.2019.22349.1267

2. Assistant Professor ,Institute for research and development in humanities (SAMT).

Email: rafatipanah@samt.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507